

## جامعه‌شناسی امنیت تلاش برای مبناسازی

خالد کاظم ابودوح (پژوهشگر مصری)

مترجمان:

hosseiny.sm.110@gmail.com

shaker93@email.com

سیدمحمدحسین حسینی / دانشجوی دکتری دانش اجتماعی مسلمین جامعه المصطفی العالمیه

فاطمه شاکر اردکانی / کارشناس ارشد مترجمی دانشگاه تهران

پذیرش: ۹۷/۵/۳

دریافت: ۹۷/۱/۱۵

### چکیده

این پژوهش تلاش دارد تا بر ضرورت دقت و تمرکز بر «امنیت» به عنوان یک پدیده یا کنش اجتماعی تأکید کند. بنابراین لازم است ابزارهای تحلیلی جامعه‌شناسی با کنش اجتماعی مطابقت داده شوند؛ به‌ویژه پس از اینکه مشکلات امنیتی، جزء اساسی زندگی فردی و گروهی ما گردیده و بر شکل‌گیری روابط اجتماعی از طریق گفت‌وگو یا کنش و اقدام، تأثیر جدی می‌گذارد. همچنین در این مقاله به برخی از سؤالات مرتبط با ابعاد عمومی پرداخته شده که می‌توان به آن عنوان «علم جامعه‌شناسی امنیت» را اطلاق کرد و بعلاوه تلاش کرده تا به مناقشه‌های انتقادی نسبت به دیدگاه امنیتی صرف و روش‌های کلاسیک پژوهش در مسائل امنیتی بپردازد. هدف اساسی در اینجا تعامل و ارتباط با امنیت به عنوان یک فرایند اجتماعی اساسی است که گرچه گاه‌گاهی متغیر است؛ اما به عنوان جزء اصلی تمام روابط اجتماعی بروز پیدا می‌کند و با اجزاء دیگر تکامل پیدا کرده، به گونه‌ای که ثبات جامعه انسانی و تداوم آن را به‌طور کامل محقق می‌کند؛ چراکه حیات انسانی، بدون امنیت می‌تواند در معرض خطر قرار گیرد.

## [مقدمه نویسنده]

پژوهش در مسائل امنیتی بپردازد. هدف اساسی در اینجا ارتباط با امنیت به صورت یک فرایند اجتماعی اساسی و تغییرپذیر است که به عنوان جزء اصلی تمام ارتباطات اجتماعی بروز می‌کند و با اجزاء دیگر تکامل پیدا می‌کند؛ به گونه‌ای که ثبات و استمرار جامعه انسانی را به طور کامل محقق می‌سازد.

مقوله امنیت امروز در دنیای معاصر، از مسائل بسیار حیاتی است که به انحاء گوناگونی مورد توجه قرار گرفته است. کسب امنیت یکی از ضرورت‌های شکل‌گیری زندگی اجتماعی بشر است. بازکاوی این مقوله و بازخوانی مجدد آن از یک اندیشمند مسلمان جامعه‌شناس مصری، می‌تواند به این مهم کمک کند. هر چند بخش‌هایی از مقاله می‌تواند مورد مناقشه باشد، اما اصل طرح جامعه‌شناسی امنیت از جمله موضوعات مورد نیاز امروز ماست.

**اول: تخیل جامعه‌شناسی و ضرورت جامعه‌شناسی امنیت**

پژوهش‌های علمی و سازمانی مربوط به جهان اجتماعی همیشه به دنبال این است که پژوهشگر اجتماعی، قدرت تفکر لازم بر آن را در دست گیرد، به‌ویژه اینکه راه‌های مختلفی برای نگاه به جهان اجتماعی که در آن زندگی می‌کنیم وجود دارد. مسئله قدرت فرد نسبت به تخیل جهان اجتماعی از دیدگاه‌های مختلف، در سال ۱۹۵۹ با تلاش اندیشمند مشهور جامعه‌شناسی رایت میلز، با نوشتن کتاب مهمی به نام *تخیل جامعه‌شناسی* تبیین شد. وی در آن کتاب توضیح داد که دانشمندان جامعه‌شناسی دیدگاه بی‌نظیری به نام تخیل جامعه‌شناسی دارند که راه و روش متمایزی را در خصوص تبیین یا تفکر در جهان پیرامون و تحلیل و تفسیر و فهم آن، به دانشمندان می‌دهد.

امروزه علم جامعه‌شناسی نیاز بسیاری به تخیل جامعه‌شناسی دارد؛ چراکه با تحولات و تغییراتی که در جهان ایجاد می‌شود اندیشه جامعه امن و آباد بشری، مورد تهدید قرار می‌گیرد، چنان که در عصر میلز نیز چنین بود. علاوه بر این در حوزه علم جامعه‌شناسی توجه به پژوهش در مسائل زیر نیز ضروری است:

۱. رخدادهای جدید در حال شکل‌گیری مانند مفهوم امنیت و انواع آن از دیدگاه علم جامعه‌شناسی؛
۲. خطراتی که امنیت انسانی را تهدید می‌کند مانند درگیری‌ها و

از زمانی که کتاب *اولریش یک* را با عنوان *مجتمع المخاطر العالمی: بحثاً عن امان المفقود*<sup>۱</sup> خواندم، به‌عنوان پژوهشگر علم جامعه‌شناسی برایم این سؤال پیش آمد که چرا جامعه‌شناسی از موضوع پژوهش در جامعه‌شناسی امنیت غفلت کرده است؟ چرا اندیشمندان جامعه‌شناسی خصوصاً در سال‌های اخیر به تأسیس رشته‌ای که می‌توان آن را «جامعه‌شناسی امنیت» نام نهاد، اهتمام نورزیده‌اند؟ به‌ویژه اینکه بر پژوهشگران اجتماعی، اهمیت بحران در سطوح امنیت به مفهوم عامش یا امنیت مرتبط با اندیشه زندگی مشترک یا امنیت مرتبط با جامعه انسانی مخفی نیست، البته تنها همین نیست، بلکه پرواضح است که جامعه انسانی در سه دهه اخیر از خطرات و حوادث و فجایع بی‌درپی، که در جامعه ناامن انسانی معدودی از کشورهای جهان ایجاد شده، یا دست‌کم از بحران‌های موجود در سطوح مختلف امنیت رنج می‌برد. پس آیا جامعه بدون امنیت دارای ثبات است؟ علاوه بر اینکه برای هر حکومت یا گروه و افرادی که جامعه آنها در حال فروپاشی است، بسیار سخت خواهد بود که خود را از خطرات ایمن سازد.

بحث از ضرورت وجود «علم جامعه‌شناسی امنیت» یا ضرورت توجه به پژوهش در زمینه جامعه‌شناسی امنیت، اهتمام به بحث از موضوع امنیت را در بسیاری از گرایش‌های علوم اجتماعی نفی نمی‌کند؛ چراکه این علوم، خصوصاً علم سیاست و روابط بین‌الملل یا علوم نظامی، بر یکی از جوانب امنیت تمرکز می‌کنند. چنان‌که در تکامل و تحول مفهوم امنیت، به دلیل تازه بودن بحث امنیت، به معنا عامش، هنوز دیدگاه جامعه‌شناسی که می‌تواند در کشف بسیاری از امور پنهان در پژوهش‌های امنیت سهم داشته باشد، لحاظ نشده است.

بنابراین این پژوهش می‌کوشد بر ضرورت تمرکز بر امنیت به‌عنوان یک پدیده یا کنش اجتماعی، تأکید کند. پس لازم است در طی سال‌های پیش‌رو، ابزارهای تحلیل جامعه‌شناسی، از طریق گفت‌وگو، یا کنش اجتماعی، مطابق این پژوهش اجرا گردد؛ به‌ویژه بعد از اینکه مشکلات مرتبط با امنیت جزء اساسی زندگی فردی و گروهی ما گردیده و اثرات عمیق خود را در شکل‌گیری ارتباطات اجتماعی خواهد گذاشت.

این مقاله می‌کوشد برخی از سؤالات مرتبط با ابعاد عمومی را جمع‌آوری کند، که می‌توان به آن عنوان «علم جامعه‌شناسی امنیت» (sociology of security) را اطلاق کرد؛ و نیز در پی آنست تا به مناقشه انتقادی نسبت به دیدگاه امنیتی صرف و روش‌های سنتی

**دوم. علم جامعه‌شناسی امنیت: رهیافتی جامعه‌شناسی**  
بنون تردید نگرانی‌ها و چالش‌های مربوط به امنیت، یکی از اجزای اساسی زندگی فردی و گروهی انسان - چه از طریق گفت‌وگو و چه از طریق کنش اجتماعی - گردیده و آثار زیان‌بار عمیقی بر شکل‌گیری روابط اجتماعی گذاشته است.

این پژوهش بیان می‌دارد که امنیت در ذهن افراد، فرهنگ و جامعه‌شناسی‌ای را بنا می‌گذارد که جزئی از عوامل محوری و مسلط بر زندگی اجتماعی آنها می‌گردد. این عوامل، چارچوبی مسلط بر نگرش ما نسبت به امنیت می‌باشد و به‌مثابه فرایندی است که ما را در فهم نیروهای تأثیرگذار در امنیت - که در روش ارتباط فعالان اجتماعی با یکدیگر تأثیر می‌گذارد - یاری می‌رساند و دیگران از طریق آن، روش‌های زندگی اجتماعی ما و نگرشمان به امنیت را ارزش‌گذاری می‌کنند؛ به‌علاوه این عوامل، جنگ بین ارزش‌های دموکراسی و سلطه بروکراسی سازمانی را نشان می‌دهد که از میان آنها نظام اجتماعی دموکراسی جدید ایجاد می‌شود (بجک، ۲۰۱۳، ص ۱).

#### ۱. مفهوم امنیت: نزاعی جدید بر مفهوم قدیم

مفهوم امنیت از مفاهیم محوری است که همگان بر اهمیت آن اتفاق نظر دارند و بسیاری از دانشمندان با بیان تعاریفات متعدد برای این مفهوم، برخی از ابعاد سیاسی و نظامی و اجتماعی و فرهنگی را در سطوح ملی و جهانی در آن لحاظ کرده‌اند.

علی‌رغم تعدد مباحث در تعاریف امنیت، مفهوم امنیت، همواره یکی از مفاهیم سخت و دشوار است و به همین جهت بسیاری از دانشمندان جامعه‌شناسی، به‌جای اینکه اهتمام بیشتری بر تمرکز روی این مفاهیم داشته باشند، نسبت به این مفهوم، ابراز ناآگاهی کرده‌اند. مفاهیمی همچون: نیرو، سلطه، نظام، مهار اجتماعی و... که به جهت پیچیدگی این مفاهیم، ممکن است گفته شود جامعه‌شناسی امنیت علم متمایزی نیست که بتوان از آن صحبتی به میان آورد (کلمنتس، ۱۹۹۰، ص ۳).

در اینجا باید به ضرورت بازنگری در رویکرد علمی کلاسیک مفهوم امنیت اشاره کرد، که معتقد است امنیت، یک متغیر یا فرایندی است که تنها با دولت دارای نیروی نظامی کافی، مرتبط است و تنها در مؤسسات دولتی و چارچوب قوانین آنها متمرکز است و چه‌بسا تنها این دیدگاهی است که سایه سلطه علوم نظامی و امنیتی را بر پژوهش‌های امنیتی گسترانده است (ریدل، ۲۰۰۷، ص ۱۳-۱۷).

شکی نیست که بسیاری از مؤلفه‌های امنیت و اصول عمیق آن

جنگ‌های داخلی و تروریستی و تهدیدات جدیدی که هر روزه در جوامع پیشرفته و یا جوامع در حال توسعه نمایان می‌شود و گسترش پیدا می‌کند؛ کنش‌هایی که در جامعه مفروض شکل می‌گیرد و امنیت و حیات انسانی را تهدید می‌کند.

تخیل جامعه‌شناسی در یاری اندیشمندان بر شناسایی ارتباط میان مشکلات خاصی که امنیت پویای جامعه را تهدید می‌کند و مشکلات عمومی که برای امنیت تمام جوامع بشری مخاطره‌انگیز است، بسیار مفید خواهد بود (گزارش جهانی علوم اجتماعی، ۲۰۱۰، ص ۱۱).

علم جامعه‌شناسی امنیت از طریق تخیل جامعه‌شناسی قادر خواهد بود مأموریت‌هایی را که از آن انتظار می‌رود، انجام بدهد و توانایی رویارویی با جهان را به دست آورد. این رویارویی ابعادی دوگانه دارد: از طرفی ضرورت دارد که دانشمندان جامعه‌شناسی به تأسیس علم جامعه‌شناسی امنیت اهتمام ورزند و از میراث علوم دیگر مرتبط با پژوهش‌های امنیت استفاده کنند و به جست‌وجو در چالش‌هایی بپردازند که در امنیت و بازسازی جامعه و پژوهش و ادراک آن، مؤثر است. از سوی دیگر، این رویارویی بر عهده دانشمندان جامعه‌شناسی قرار می‌گیرد که در شناسایی این پدیده‌ها و لوازم آنها، جای آنان خالی است. در بعد اول، پژوهشگران در وهله نخست به دنبال پاسخ‌های اقتضایی برای چالش‌ها و تقابلات تهدیدکننده امنیت بشری، تلاش می‌کنند و در بعد دوم، تمرکز اصلی بر کشف این چالش‌ها و نتایج تحلیلی آنها خواهد بود.

باید گفت جهان مدنظر در این مقاله، جهانی است که با تحولات و دگرگونی‌هایی در ارتباط است که در دو حوزه داخلی و جهانی به وقوع می‌پیوندد و تهدیدکننده زندگی، جامعه و امنیت انسانی می‌باشد.

چالش‌هایی که جهان با آن روبه‌رو می‌شود، گاهی با برخی از مسائل تهدیدکننده زندگی بشر در ارتباط است؛ مانند تغییرات آب و هوایی، آلودگی محیط‌زیست، رشد سطح فقر، بحران‌های اقتصادی، اختلاف و عدم مساوات و علاوه بر اینها مشکلات جنسیتی، مسئله فقر و مشکلات اقتصادی، بحران غذا، رشد خشونت، حوادث تروریستی و پدیده مهاجرت‌های قانونی و غیرقانونی، همه از مشکلاتی است که امنیت جامعه بشری و آبادانی آن را در معرض تهدید قرار می‌دهد و وجود و استمرار آن را به چالش می‌کشد. این مسئله در بسیاری از حکومت‌ها و مکان‌ها به وقوع می‌پیوندد و جایی نیست که بتواند خود را از این تهدیدات دور نگه دارد.

امنیتی داخلی مسئله‌ای نادر و استثنایی است که کاهنده تأثیرگذاری فرایندهای دیگری است که در طول زمان، تضمین‌کننده حیات انسانی و نظم اجتماعی می‌باشد (کلمنتس، ۱۹۹۰، ص ۲).

اندیشمندان حوزه سیاست، در فهم خود از مفهوم امنیت، بر فرضیه ارتباط اساسی امنیت با مسئله بقاء دولت تمرکز کرده‌اند؛ بدون اینکه به تفصیل بیشتر بپردازند. آنها می‌پندارند مفهوم امنیت در حفاظت از یکپارچگی دولت و حمایت از ارزش‌ها و اهداف داخلی در برابر دشمنان حقیقی یا فرضی نهفته است. بنابر این تصویر، امنیت در ناحیه اقدام و عمل، ارتباط محکمی با فعالیت‌های دیپلماسی، رجال سیاسی، نخبگان حکومتی، کارشناسان امنیتی و نظامی دارد؛ به این معنا که امنیت امری است که برگزیدگان امنیت داخلی از آن سخن می‌رانند و از نظر آنها معنای امنیت همین است. لذا مطابق این برداشت، توجهی به میزان هماهنگی دیدگاه‌های این افراد از امنیت با مابقی تشکیلات دیگر دولتی یا دیدگاه‌های شهروندان عادی یا جامعه وجود ندارد (همان، ص ۳).

بنابراین مفهوم امنیت یکی از مفاهیمی است که به مؤسسات و دانشمندان سیاسی، بخصوص تحلیل‌گران استراتژیک و روابط بین‌الملل و برخی از افراد نظامی اختصاص دارد و این اندیشه همیشه امری بدیهی در نظر گرفته شده و دیوان‌سالاران، این مفهوم را بدون سؤال یا تفکر در معنای اصلی و عمیق به کار می‌برند.

به همین جهت ما اندیشه ضرورت پایه‌گذاری علم جامعه‌شناسی امنیت را مطرح می‌کنیم. این علم، نه تنها از میراث بزرگ علمی که از عنایت و توجه رشته‌های مختلف به پژوهش‌های امنیت به ثمر نشسته، جدا نیست؛ بلکه به هدف دستیابی به نظریه‌ها و دیدگاه‌های مفهومی امنیت از همان پژوهش‌ها، آغاز می‌شود.

این طرح در جست‌وجوی چارچوب‌هایی است که از طریق آنها، تمام افراد به یک میزان، تحقق امنیت و آرامش حقیقی را احساس کنند. همچنین این جستار برای تعامل بین جامعه‌شناسی و تصاویر وحشیانه و بی‌رحمانه و غیرانسانی، تهدیدات، انواع ترس و نگرانی، خشونت و تروریسم و قتل فزاینده در سطوح مادی و معنوی رو به رشد جهان به دنبال ایجاد روش‌های جدید است.

برخی از نظریات سیاسی هستند که با آراء مفسران امنیت رقابت کرده و آنها را رد نموده‌اند. اما تلاش برای فهم جامعه‌شناسانه امنیت می‌تواند به رویارویی این نظرات با یکدیگر منجر شود و به افراد

در قلب جامعه ریشه دوانده و لذا ارزش‌های فرهنگی و فرایندهای تربیت و رشد اجتماعی و فرایندهای اجتماعی عمومی، مانند: تشریک مساعی و وحدت اجتماعی و رقابت و جنگ، موجب مرزبندی‌ها و ایجاد تغییراتی مؤثر در فرایند امنیت می‌شوند و اهمیت اجتماعی آن در هیچ حالتی، از اندیشه امنیت به معنای کلاسیک و سنتی که نیروی نظامی دولت‌ها را بنا نهاده، پایین‌تر نیست.

دیدگاهی که امنیت را به‌عنوان یک متغیر، مرتبط با نظریه دولت مقتدر می‌داند (مطابق دیدگاه دانشمندان رئالیسم و نئورئالیسم)، با طرحی محوری در ارتباط است که بر پایه لزوم تعامل بین امنیت با نیروی پلیس و ارتش استوار می‌باشد و افزونی نیروی نظامی و پلیس را تضمین‌کننده سطوح عالی امنیت در داخل دولت می‌داند (برای اطلاعات بیشتر پیرامون نظریه رئالیسم کلاسیک و مدرن، رک: فرج، ۲۰۰۷، ص ۲۰-۳۰؛ ابوزید، ۲۰۱۲، ص ۴۹-۵۰).

این دیدگاه به‌ویژه در میان اندیشمندان معاصر، یک نظر بسیار کوتاه‌بینانه در موضوع امنیت است و دولت‌ها را به سوی فرهنگ جانبداری از ابزارهای مادی امنیت همچون اسلحه (که مردم یا دولت‌ها باید سلاح داشته باشند) و حفاظت از دولت‌ها سوق می‌دهد. چنین فرهنگی از جهت دیگر خود به خود موجب احساس عدم امنیت می‌شود که این احساس، نتیجه در دست گرفتن اسلحه و تلاش برای ظهور فرهنگ قدرت‌نمایی مادی است (بوزان، ۱۹۹۷، ص ۲۸۵).

طرف‌داران نظریه رئالیسم، با استناد به اینکه به‌کارگیری مناسب و کارآمد نیرو و سلطه تضمین‌کننده حفاظت از نیروهای ملی است، از دیدگاه خود دفاع می‌کنند. این بیان، عکس تلاش این پژوهش است؛ چراکه چنین دیدگاهی، بیشتر از اینکه امنیت داخلی را برقرار کند، آن را از بین می‌برد. دلیل این سخن، آن است که علی‌رغم اینکه امنیت یک فرایند اساسی و محوری برای حیات و استمرار نظم اجتماعی و زندگی در پناه آن است اشخاص و شهروندان را از مفهوم امنیت متنفر می‌سازد. حال اینکه می‌توان، فرایند حفاظت از نظم اجتماعی و استمرار آن را با کنار گذاشتن اندیشه اکراه و اجبار، به‌کارگیری همه توان در ابعاد مختلف و تکیه بر اندیشه صلح به جای اکراه و خشونت و زور تبیین کرد و شرایط اجتماعی امنیت را به‌گونه‌ای بهتر بنا نهاد. علت این امر، رواج تعاملات صلح‌آمیز دور از خشونت است که در بسیاری از کشورهای جهان شایع بوده و عامل مشترک بین افراد و دولت‌هاست. باید گفت به‌کارگیری فرایند خشونت برای تأسیس سازمان‌های

در مسیر راه‌های مدرسه، به نام امنیت دانش‌آموزان روی می‌آورند. در معنای دوم امنیت معیاری تحلیلی است که دارای چارچوبی گسترده‌تر بوده و شامل مجموعه‌ای متنوع از پدیده‌های وابسته به ادراکات فرهنگی صلح‌آمیز، امنیت، شورش و ناامنی می‌باشد. از دیدگاه فعالان داخلی ترکیب این پدیده‌ها با مشکلات اجتماعی همچون بیکاری، جرم و جنایت، بیماری و امور تأثیرگذار در امنیت به صورت مستقیم و غیرمستقیم نیز جزئی از این مجموعه می‌باشد.

امنیت مطابق دیدگاه جامعه‌شناسی، عبارت است از ادراک افراد و گروه‌های اجتماعی و مراکز حقیقت‌یاب اجتماعی و آگاهی نسبت به جامعه و آنچه ساختار درونی آن را تکمیل می‌کند، مثل احساس یاعاطفه و در ترجمه سیاسی، به‌عنوان ایدئولوژی یا سیاست عمل ترجمه می‌شود که می‌تواند با دیدگاه مشاور امنیت ملی یا دیدگاه یکی از افراد جامعه ارتباط برقرار کند.

امنیت اساساً تصور جهان اجتماعی است که تأثیرات خود را بر تمام اجزای زندگی روزانه ما می‌گذارد. مفهوم امنیت دو مسئله را دربرمی‌گیرد: اول. مجموعه‌ای از ادراکات امنیتی است برای کیفیتی که جهان طبق آن عمل می‌کند؛ دوم. فهم فرهنگی تهدیدات و حوادث سلب‌کننده اعتماد. امنیت همان معیار تشخیصی است که در اختیار ماست؛ یعنی همان جزء همیشگی و جدانشدنی چارچوب‌های فرهنگی می‌باشد که امنیت، نظم و شورش را از نظر ما تعریف می‌کند و قلمرو احساسات ما را به سوی صلح و امنیت سوق می‌دهد و سطوحی را مرزبندی می‌کند که با آن امنیت را احساس می‌کنیم (بجک، ۲۰۱۳، ص ۲).

### سوم: ضرورت فهم جامعه‌شناسی امنیت

روشن است ما در جهانی متفاوت زندگی می‌کنیم که در آن شاهد جریان یافتن دگرگونی‌های عمیق متعددی هستیم. این دگرگونی‌ها جامعه و شکوفایی بشر را در طول زمان تهدید می‌کند و اندیشه زندگی امنیت‌بخش همگانی را چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی تهدید می‌کند. شاید موارد زیر بارزترین نمونه این چالش‌ها یا تهدیدات باشند:

تغییرات زیست‌محیطی، دگرگونی‌های آب و هوایی، معضلات تبعیض و فقر، بحران‌های اقتصادی و همچنین انحرافات که جوامع بشری را تهدید می‌کند، همچون پیری افراد و به حاشیه راندن آنها، ظهور بیماری‌هایی از جمله وبا، بحران‌های امنیت سلامت، مشکلات مهاجرت‌های قانونی و غیرقانونی.

کمک کند تا بفهمند مراکزی که به جهت ایجاد امنیت و حفاظت از آن ایجاد شده‌اند، آیا در این زمینه موفق بوده‌اند یا خیر؟

### ۲. فهم جامعه‌شناسی امنیت

مفهوم امنیت یکی از سخت‌ترین مفاهیمی است که تحلیل‌های علمی، به آن برخورد می‌کند؛ چراکه یک مفهوم نسبی، متغیر، ترکیبی و دارای ابعاد متعدد و سطوح متنوع است که در معرض چالش‌ها و تهدیدهای مستقیم و غیرمستقیم منابع مختلف می‌باشد که درجه و انواع و ابعاد و زمان‌بندی آنها مختلف بوده و به امنیت فرد یا دولت یا سازمان‌های منطقه‌ای یا بین‌المللی مربوط می‌شود. بسیاری از پژوهشگران، مفهوم امنیت را یکی از مفاهیم اصلی در زمینه ارتباطات بین‌المللی می‌دانند که نشانه پیچیدگی زیاد آن از زمان ظهور ارتباطات بین‌المللی، به‌عنوان زمینه علمی مستقل پس از جنگ جهانی اول آشکار شده است. بنابراین مسئله امنیت جایگاه اصلی را در سیاست خارجی برخی از دولت‌هایی به دست می‌آورد که معمولاً امنیت را یکی از اهداف خود قرار می‌دهند و آن را با اجرای تدابیر پیشگیرانه یا ترمیمی، به هدف تغییر شرایط محیطی، تحقق می‌بخشند.

مفهوم امنیت در فهم سنتی یا نظامی متمرکز بر حمایت از مرزهای منطقه‌ای خلاصه نمی‌شود؛ بلکه ابعادی فراتر از آن را دربر می‌گیرد ابعادی که دربرگیرنده پیشبرد جامعه انسانی به سمت دستیابی به اهدافی است که منافع جامعه را تأمین می‌کند (الحریری، ۲۰۰۸، ص ۹).

بسیاری از قاموس‌ها در مورد معنای فعل «أَمِنَ» (secure) و اسمش «امنیت» (security) توافق دارند که همان نجات یافتن از خطر و ریسک یا دوری از خسارت و احساس امنیت یا رهاشدن از ترس و شک و نگرانی و حوادث زمانه می‌باشد. امنیت نیز به معنای دستیابی به آرامش و تمام آن چیزهایی می‌باشد که ایمنی‌بخش است. ریشه لاتین اصطلاح (securus, security) به معنی ایمنی‌بخش می‌باشد (کلمنتس، ۱۹۹۰، ص ۳).

برای پاسخ به سؤال «ما از امنیت چه مقصودی داریم؟» لازم است بین دو معنا تمایز قائل شویم (استمپینتزکی، ۲۰۱۳، ص ۶۳۱):

اول معنای تعریف‌شده و واضح در گفتمان و پژوهش. برای مثال، زمانی که اهالی سیاست کاهش آزادی شخصی را به نام امنیت داخلی توجیه می‌کنند؛ یا زمانی که مدارس به فراهم آوردن سیستم‌هایی برای کشف امور مخفی، یا نصب دوربین‌های حفاظتی

تهدیدات و خطرها را دربرمی‌گیرد و تنها با تهدید امنیتی یک دولت معین مرتبط نیست، بلکه حیات بشر را در دولت‌های مختلف تهدید می‌کند و گویا تهدیدات و خطرات جهانی‌سازی از حدود دولت‌ها و قاره‌ها فراتر رفته است (بالدوین، ۲۰۱۱، ص ۲۸).

در اینجا تلاش می‌کنیم که مهم‌ترین تحولات و تهدیداتی را بیابیم که جهان کنونی ما با آن روبه‌روست و جنبه‌های مختلف جامعه بشری را تهدید می‌کند و با خطراتی همراه است که از معضلات شکوفایی انسانی به‌شمار می‌رود. این تهدیدات خصوصاً با برخی از صورت‌های شک و بی‌اعتمادی و احساس ناامنی نزد بی‌شماری از افراد و گروه‌ها و دولت‌ها همراه است و به صورت ذیل می‌آید:

**الف. درگیری‌های ایدئولوژیک: اختلاف اندیشه‌ها و عقاید**  
یکی از خصوصیات مهم جامعه انسانی، اختلاف افراد و گروه‌ها و دولت‌ها در اندیشه‌ها و عقاید است. این جامعه براساس این خصوصیت استثنایی شکل گرفته و حق هر انسانی پذیرفتن عقاید و اندیشه‌هایی است که قلب و ذهن او به آن اطمینان پیدا کند. در این حق اختلافی نیست و حتی مسلم می‌باشد که در بسیاری از توافقات بین‌المللی از جمله حقوق انسانی مورد اتفاق همگان است. این حق، قبول دیگران و همراهی با افکاری را طلب می‌کند که با افکار و عقاید آنها مخالف است، تا زندگی مشترک بین انسان‌ها ثابت و پایدار گردد.

حقیقت نشان داده که از زمان تحقق جامعه بشری، اختلاف اندیشه‌ها و عقاید بشری دائماً به‌عنوان بهانه‌ای برای توجیه درگیری‌ها و تهدید امنیت و سلامت دیگران بوده و تاریخ انسانی پر از تلاش‌هایی است که بر درگیری‌های ایدئولوژیک، پایه‌گذاری شده است.

بسیاری از دولت‌های جهان، به «تهدیدات کمونیستی» به چشم تردید نگاه می‌کنند، و آن را برای امنیت ملی خطرناک می‌دانند با این حال، این دولت‌ها هیچ نوع تهدیدی را (ایدئولوژی، اقتصادی، نظامی، یا تمام این تهدیدات) معین نکرده‌اند. این درگیری‌ها یکی از خاستگاه‌های ناامنی در بسیاری از جوامع برای زمان‌های طولانی بوده است (همان، ص ۲۸)، و امروزه نیز، اصطلاح تروریسم و تهدیداتی مانند آن رواج دارد. باوجود پیچیدگی مفهوم امنیت به جهت استعمالات متباین آن، امنیت بسیاری از جوامع و دولت‌ها از هم پاشیده است.

در اینجا تأکید می‌کنیم که درگیری ایدئولوژیک بر مدار تاریخ بشر یکی از خاستگاه‌های تهدید امنیت در جامعه انسانی است و این

این همه و غیر آن، برخی اندیشمندان را به توصیف این جامعه به جامعه‌ای در معرض خطر یا جهان رها شده، یا جهان در جست‌وجوی امنیت گم‌شده واداشته است.

به تحقیق، فهم جامعه‌شناسی جامعه خطر خیز با اولریش بک در ارتباط است. اولریش بک که کتاب **جامعه جهانی خطر خیز: به دنبال امنیت گمشده** را تحریر کرده است بیان می‌دارد که آنچه از ۲۰ سال پیش بسیار به آن پرداخته شد، امری واقعی و محسوس گردیده و اضافه می‌کند که جامعه صنعتی با گشوده شدن جامعه جدیدی که شورش و ناامنی در آن غلبه داشته، جامعه جدیدی به تن کرده و سبک زندگی بادوام و استانداردهای رفتارهای عاقلانه و مثبت در آن پنهان شده و نشانه‌های خطر در زبان اقتصاد و علوم طبیعی و همچنین در زبان سیاست بسیار پررنگ گشته است (جمعی از محققان، ۲۰۱۳، ص ۲۵).

اما آنتونی گیندن بر این عقیده است که جهانی‌سازی ویژگی اساسی در لحظه بودن در جهان امروز می‌باشد و ازهم‌گسیختگی از خصوصیات جهانی‌سازی است؛ اگرچه نشانه بارز آن نیست. به همین جهت به این جهان، جهان لگام‌گسیخته نام نهاده است که برخی حرکات و تغییرات در آن از دست بشر خارج بوده و به‌طور کامل در سیطره او قرار ندارد (ر.ک: گیندن، ۲۰۰۵).

از خلال دیدگاه‌های گذشته و غیر آن، که بر محور تحلیل جهان پیش‌رو و توصیف آن گذشت، می‌توانیم بر این نکته تأکید کنیم که ما با جامعه‌ای روبه‌رو هستیم که ویژگی‌ها و خصوصیاتش نشان از مشوش بودن آن دارد و سبک‌ها و پایه‌های زندگی مشترک انسانی را می‌لرزاند. این، حداقل در زمان کنونی، جامعه یا نظام جهانی نیست تا اراده گروهی انسان، آن را پیش ببرد؛ بلکه این جامعه هر روز بدون برنامه و همراه با شورش و هرج و مرج ظاهر می‌گردد و برخی از عوامل آشکار و نهان در آن تأثیر می‌گذارد. این جامعه، جامعه امنیت‌بخش و باثبات نیست، بلکه جامعه محکوم به شک و بی‌اعتمادی و مملو از نگرانی است که به‌گونه‌ای پیچیده و غیرعادلانه تقسیم شده است.

## ۱. ناامنی و خطرهای جهان پیش‌رو

معمولاً در ذهن کسانی که مفهوم امنیت را به‌کار می‌گیرند انواع مشخصی از تهدیدات و خطرها وجود دارد و این خطرات و تهدیداتی که امنیت با آن مواجه است، از منابع متعدد و متنوع ناشی می‌شود. اما این اصلی ثابت است که جهان کنونی صورت‌های متعددی از

چنان که وضعیت دولت‌هایی همچون بنگلادش که به دلیل بالا آمدن سطوح آب دریاها و طغیان آنها که در سال‌های اخیر در معرض غرق شدن قرار گرفته‌اند، اشاره‌ی روشنی بر این مدعاست که ممکن است مدّ روز روزافزون دریاها، تبدیل به فاجعه‌ای گردد که زندگی بسیاری از افراد بشر را از بین می‌برد.

به علاوه عمده فعالیت‌هایی که سبب تغییرات جوهری آب و هوایی است عملکردی تهدیدآمیز برای زمین است، مانند تولید گسترده گازها و بالا رفتن میانگین جهانی آلودگی آب و هوا و رشد میزان گازهایی که منجر به سوراخ شدن لایه اوزن می‌گردد و فعالیت‌هایی که با کاهش میزان اکسیژن، و از بین بردن جنگل‌ها و تأثیرات گسترده بر محیط‌زیست که منجر به از بین رفتن زمین‌های سرسبز می‌گردد و چه‌بسا اهمیت این مسائل و پیامدها و تهدیداتش، آن را از مهم‌ترین مشکلات امنیت جهانی قرار داده است؛ بنابراین این مسئله تنها یک دولت یا یک جامعه معین را تهدید نمی‌کند، بلکه وجود بشر و امنیت او را بر روی این سیاره تهدید می‌کند (بوزان، ۱۹۹۱، ص ۴۵۰).

آنچه بیان شد تمام دگرگونی‌ها، تغییرات و تهدیداتی را دربر نمی‌گیرد که اندیشه امنیت جامعه انسانی با آن روبه‌روست و آبادانی و تمدن جامعه بشری را به چالش می‌کشد، بلکه در اینجا تهدید دیگری نیز هست که فرصت بحث و تحلیل آن نیست و اما پیرامون آن، پژوهش‌ها و بحث‌های بسیاری در سراسر جهان منتشر شده است. پس از بیان برخی از تهدیدات، ذکر این مطلب شایسته است که تحلیل خطراتی همچون این دگرگونی‌ها و وارد شدن آنها در گفتمان‌ها و پژوهش‌های امنیتی، روشی ضروری است که تمسک به آن لازم است.

دانشمندان جامعه‌شناسی از طریق علم جامعه‌شناسی امنیت، برای انجام کار آماده شده‌اند و اعلام کرده‌اند که علم جامعه‌شناسی این توانایی را دارد که پژوهش تمام پدیده‌های وابسته به امنیت و سلامت و فهم جامعه را انجام دهد و می‌تواند از طریق چارچوب‌های نظری و روشی، تفسیرها و جهت‌گیری‌هایی را طرح کند و پیشنهاد دهد که با خطر تهدیدات امنیت بشری تناسب دارد و با پویایی و توانمندی خود با آنها تعامل کند.

تبدیل علم جامعه‌شناسی امنیت، به‌عنوان رشته‌ای جدید امری ضروری و انکارناپذیر است رشته‌ای که به جهت رصد و تحلیل و بررسی و تفسیر عمده خطراتی که امنیت زندگی مشترک جامعه انسانی را تهدید می‌کند؛ چراکه در سایه پیامدهای مهم خطرات و بحران‌های بسیار که اساساً با امنیت وجودی، یعنی هستی و نیستی بشر،

درگیری، همیشه با بسیاری از جنگ‌ها و امواج خشونت و تروریسم در ارتباط بوده، که نتیجه آن، از بین رفتن کامل امنیت، برای بسیاری از افراد و گروه‌ها و جوامع است که شاید بهترین نشانه آن، هجرت‌های اجباری و حرکت پناهندگان برای فرار از ناامنی در وطنشان، می‌باشد (ر.ک: کلمتس، به سوی تحول صلح‌طلبانه، ص ۱۲-۳).

### ب. بحران‌های اقتصادی و مصرف‌گرایی، فقر و نابرابری

جهان در طول سال‌های اندک گذشته، شاهد بحران‌های اقتصادی بسیاری بوده که موجب نگرانی‌های مالی و بسیاری از مشکلات اقتصادی شده و به اختلال در اقتصاد جهانی و پیامدهای آن مانند نبود درآمد و نگرانی‌های مربوط به عرصه کار و استخدام منجر گردیده است. تمام این موارد و غیر آن، نوعی از ناامنی و اختلال در استقرار و ثبات جامعه، در سطوح مختلف افراد یا گروه‌ها یا جوامع را ایجاد کرده است.

برای نمونه، در گزارش بانک‌های دولتی تأکید شده که در نتیجه بحران‌های مالی جهانی از ابتدای سال ۲۰۰۸م، بسیاری از کشورهای جهان شاهد کاهش جدی در میانگین رشد خود بوده‌اند. پیچیده شدن مشکلات مرتبط با کاهش استخدام و نبود درآمد و عقب‌گرد تلاش‌های جهت‌دار به سمت جلوگیری از فقر، به همراه بالا رفتن قیمت کالاها، خصوصاً غذا، در سال ۲۰۰۸ اغتشاشات و اعتراضاتی را در بیش از ۱۲ کشور آفریقایی و آسیایی به دنبال داشت، که نمود خشم مردمی بود و احساس نیاز به امنیت را نشان داد، و تمام اینها موج گسترده‌ای از تشنج‌های سیاسی را به وجود آورد (جمعی از محققان، ۲۰۱۳، ص ۴).

به علاوه، رشد سطوح فقر و بی‌عدالتی و نابرابری در جامعه بشری، سبب بروز تهدیدات فراگیر در امنیت و زندگی و قدرت انسان بر کار شد. چنان که شکاف‌های بزرگ بین مردم فقیر و ثروتمند امکان انفجار اجتماعی را فراهم می‌کند و رهاکردن فقیران ناامید از بیشترین خاستگاه‌های ناامنی است؛ چراکه ممکن است به واگذاری و دگرگونی تمام جامعه انسانی منجر شود (توماس، ۲۰۰۱، ص ۱۶۰).

### ج. تغییرات جهانی آب و هوا و محیط‌زیست

شکی نیست که اهمیت تغییرات آب و هوایی جهان و دگرگونی در محیط‌زیست طبیعی پیرامون ما که در حال رخ دادن است، تمام ظرفیت‌های وجودی بشر را در مقیاس بزرگی تهدید می‌کند.

را اضافه خواهد کرد که در پایه‌گذاری اندیشه امنیت نقش مهم و قطعی را افاده خواهد کرد، تا در نتیجه واقعیتهای زندگی جامعه بشری گردد (زاید، ۲۰۱۳، ص ۱۱). همچنین تهدیدات مستقیم جامعه انسانی بر روی زمین از موارد دیگر بحث مخاطره است.

در اینجاست که علم جامعه‌شناسی امنیت می‌تواند در به دست دادن قاعده علمی و دیدگاه‌های الهام‌بخش سیاست‌های جدید که رقابت را تقویت می‌کند و در بسیج کردن افراد به سوی تغییرات اجتماعی و تعامل - به‌گونه‌ای متفاوت و رشد یافته با محیط زیستی که در آن زندگی می‌کنند - نقش جدید و اساسی بازی کند. به‌ویژه اینکه تغییرات محیط‌زیست و آب و هوا و مشکلات آب و تنوع زیست‌شناسی و مشکلات لایه اوزن و... همه ارتباط عمیقی با فعالیت‌ها و کنش‌های بشری دارد. در نتیجه، فهم این تغییرات یا دستیابی به آنها بدون توجه عمیق به کنش‌های متقابل بین انسان و نظم طبیعت امکان‌پذیر نیست (گزارش جهانی علوم اجتماعی، ۲۰۱۰، ص ۱۱).

#### ۱. تعریف علم جامعه‌شناسی امنیت

کوین کلمنتس مسئله مهمی را مطرح کرده که حاصلش این است: چرا اندیشه بی‌اعتمادی و ناامنی حتی با وجود عدم اثبات ناامنی در زمان حاضر، بر افراد و جوامع سایه گسترده است؟ پس افرادی که در ورزش پرش با طناب و کوهنوردی و چتربازی و... ممارست دارند، با این ورزش‌ها برای جبران ناامنی در زندگی روزانه خود بازی می‌کنند؛ درحالی‌که دیگران در وضعیت پرخطر و ناامنی زندگی می‌کنند و به دنبال دستیابی به سطوح پایین از امنیت برای تضمین زندگی و حیات خود هستند (کلمنتس، ۱۹۹۰، ص ۴).

اندیشه گذشته از هسته متناقض حیرت‌آوری پرده‌برداری کرد که محققان و تحلیلگران در پژوهش و تحلیل مفهوم امنیت با آن برخورد کردند؛ چراکه درجه و سطوح مورد اتفاق نظر همگان برای امنیت و یا ناامنی یا مخاطره وجود ندارد، مگر اینکه مانند کهربا، آن را از طریق فرایند واکنش و پژوهش‌های واقعی تعریف کرد.

در اینجا به ارتباط و تکامل بین افراد و تحقیقات و کارهایشان در مسیر زندگی روزانه نیازمندیم و این تکامل از طریق فرایند تربیت موفق اجتماعی به ثمر می‌نشیند مانند روابط عمیق بین والدین و فرزندان که موجب تقویت تعاملات فرزندان در داخل مدرسه و دیگر مراکز اجتماعی (مانند نقش عبادت، مکان‌های کار، مکان‌های استراحت) خواهد بود.

و یا زندگی تمام بشریت مرتبط است، امنیت این سیاره، یعنی زمین، تهدید می‌شود. بنابراین این علم از طریق ابزارهای نظری و روشی علم جامعه‌شناسی، و تکیه بر میراث علمی گذشته در پژوهش‌های امنیتی، توانسته جزء یکی از علوم اجتماعی - همچون علوم نظامی و استراتژی و علوم سیاسی و روان‌شناسی و علم اقتصاد و... قرار گیرد.

#### چهارم. تعریف و موضوع علم جامعه‌شناسی امنیت

چنان‌که گذشت این پژوهش به مهم‌ترین اوصاف طبیعت جهان کنونی به‌عنوان «جامعه خطر خیز» اشاره کرد که از علم جامعه‌شناسی گرفته شده است. همچنین لازم است که به ارتباط محکم بین مفهوم امنیت و مفهوم خطر خیز، اشاره گردد؛ پس هر وقت خطرانی که جهان کنونی با آن مواجه است بیشتر گردد، میزان احساس امنیت و آرامش دچار بحران می‌گردد.

اتفاقات زندگی روزانه در بسیاری از جوامع معاصر، از امکان مخاطره و تبعات احتمالی آن در حوزه‌های متعدد از جمله داخل منزل و در محیط‌های کار و خیابان و در مناطقی که حوادث طبیعی و زیستی در آن رخ داده، پرده برمی‌دارد. مخاطرات را می‌توان طبق اسلوب‌های متعددی دسته‌بندی کرد، مهم‌ترین آنها خطرانی هستند که از شرایط مادی و زیستی یا وضعیت‌های خارج از اراده بشر ایجاد می‌شود و نیز خطرات اجتماعی که با امور پنهان در ساختارهای اجتماعی مرتبط بوده و موجب آسیب رساندن به افراد و گروه‌های تحت حمایت این ساختارهای اجتماعی می‌شود.

از سیاق به کارگیری مفهوم «در معرض خطر»، می‌توان میان در معرض خطرات فیزیکی قرار گرفتن - که با مخاطرات طبیعی و زیستی در ارتباط است - و در معرض خطرات اجتماعی قرار گرفتن - که درون ساختار اجتماعی ایجاد می‌شود و نتیجه عوامل داخلی متعدد، مانند: فقر و بیکاری و نابرابری و منزوی کردن، و سوءتغذیه و کمبود غذا و عدم آرامش و کاهش یا سقوط سطوح نوع زیستی که عامل اجتماعی در آن زندگی می‌کند - تفاوت قائل شد.

شاید طرح گذشته، به اهمیت تأسیس رشته علم جامعه‌شناسی امنیت اشاره داشته باشد؛ چراکه فهم جامعه‌شناسی امنیت ما را به میدان‌های جدید دیگری وارد می‌کند و برای ما تفسیرهای بسیار مهمی را برای هر صورت مخاطره‌انگیز و خطرانی که امنیت جامعه انسانی با آن مواجه است، ارائه می‌دهد و ابعاد جدیدی از فهم امنیت



کاملاً نسبی و ذاتی است. پس فرد و همچنین گروه‌ها و سازمان‌ها و جوامع، همان کسانی هستند که از اعمال و رفتارها و فرهنگشان، معنای حقیقی امنیت تعیین گردیده، و برایشان آشکار می‌شود. مفهوم امنیت در اینجا برای دربرگیری ابعاد متعدد معرفت‌شناسانه گسترش می‌یابد و سؤالات متعددی مطرح می‌شود که می‌تواند جوانبی از نگرانی‌های علم جامعه‌شناسی امنیت، به حساب آید؛ مانند امنیت چرا و برای چه کسی؟ و شروطی که امنیت را محقق می‌کند چیست؟

با استناد به مطالبی که بیان شد می‌توان گفت که علم جامعه‌شناسی امنیت یکی از فروع علم جامعه‌شناسی است که به پژوهش‌های امنیتی به‌عنوان یک فرایند اساسی اجتماعی اهتمام می‌ورزد و هدفش پایه‌گذاری نسبی میدان‌ها و فضاها، اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در درون جوامع است تا افراد امکان همزیستی را داشته باشند و بدون ترس از خشونت مستقیم و غیرمستقیم، تبادل فرهنگ‌ها و زبان‌ها و هویت‌ها و تفاوت‌ها را بپذیرند. پس آگاهی به میدان‌های امنیت‌بخش می‌تواند در مقاومت تمام نسبت‌هایی که صور تهدید را دربر دارد، حالتی تکاملی و میلی عمومی ایجاد کند.

علم جامعه‌شناسی امنیت، علمی است که فهم جامعه‌شناسی امنیت و فهم اسلوب‌هایی را به ما می‌دهد که از طریق آن، امکان پایه‌گذاری جوامعی به نام «جوامع امنیت‌بخش» را به ما خواهد داد. جوامع امنیت‌بخش جوامعی هستند که توانایی دارند از فرهنگ عمومی پشتیبانی کرده و همکاری را آسان کنند. همچنین این جوامع، قادرند تصمیماتی اتخاذ کنند که جامعه و ساختار آن را از خشونت و درگیری دور کرده و با تحول اجتماعی و سیاسی صلح‌آمیز، ثبات و آرامش را در جامعه برقرار کند.

تمام تعاریفات گذشته، معیارها و تحلیل‌های دیدگاه علم جامعه‌شناسی از مفهوم امنیت است، چنان‌که این تعریف‌ها، قالب‌ها و اوضاعی را توصیف می‌کند که افراد در آن امنیت و آرامش را احساس می‌کنند. هم‌زمان این تعریف تأکید می‌کند که جامعه امنیت‌بخش، پایبندی جدی افراد و گروه‌ها و حکومت و اقدام برای تقویت و پشتیبانی از شرایط امنیت و آرامش را طلب می‌کند.

این پایبندی، به‌مثابه وجدان جمعی، بهترین جایگزین، برای فرایند روی آوردن به نیروی زور و اجبار در تحمیل امنیت و آرامش است. بنابراین، حکومت مقتدری که قوای لشکری و امنیتی را برای ایجاد قانون و نظم داخلی در اختیار دارد و توانایی هم‌مطرازبودن با

همچنین در اینجا عواملی هستند که اندیشه احساس امنیت فرد را از طریق فرایند تربیت اجتماعی تهدید می‌کنند. نمونه آن، مراکزی همچون ارتش و پلیس که از طریق مجازات، به دنبال رواج رفتار مورد قبول جامعه هستند و امنیت را با تهدید و کیفر تضمین می‌کنند و در بسیاری از جوامع، افراد را به خویش‌ن‌داری وادار می‌کنند؛ همان افرادی که تلاش می‌کنند در روابطشان با دیگران مقابله با مثل کنند. این مؤسسات زمینه‌ساز رفتارهای اجتماعی ایمن و ثابت هستند؛ به‌ویژه زمانی که فردی رفتارهای تهدیدآمیز و متناقض داشته باشد.

لذا زندگی در اینجا مجال به نظر می‌رسد و البته این مسئله به معنای آن نیست که تهدیدی وجود ندارد یا اینکه ناامنی تنها نتیجه فرایند تربیت اجتماعی و نهادهای آن است، بلکه بدان معناست که زندگی اجتماعی باثبات و رفتار مسالمت‌آمیز و زندگی امنیت‌بخش اشتراکی و امنیت اجتماعی و سیاسی و اقتصادی با عوامل دیگری غیر از اندیشه‌ای که محصول آن خطر و مخاطره می‌باشد، در ارتباط است (همان، ص ۵).

برای مثال، می‌توان به رشد سطوح امنیت و آرامش در جامعه اشاره کرد که با اندیشه اعتماد و میزان آن، در ارتباط است؛ به این معنا که هرچه قدر اعتماد بین افراد و گروه‌های جامعه بالا رود، احساس امنیت بیشتر می‌شود. از طرف دیگر سطوحی برای اعتماد وجود دارد که عبارت است از نسبت افراد و گروه‌ها با مراکز رسمی و غیررسمی؛ یعنی اعتماد به‌عنوان ماده پیونددهنده زندگی اجتماعی باقی می‌ماند و جامعه را به سوی سطوح عالی امنیت می‌کشاند (تفصیل بیشتر پیرامون اعتماد، رک: ابودوح، ۲۰۱۴، ص ۱۹۱-۲۱۴).

همچنین شایان ذکر است که برخی اوقات زندگی اجتماعی، در نزد برخی افراد مبهم و غیرواضح به نظر می‌رسد؛ چنان‌که امنیت و سلامت و خطر با هم زیست می‌کنند، یا درون اشیاء و رفتارها به یک اندازه پنهان هستند؛ مثلاً، اشیایی که انسان بدون آن، نمی‌تواند زندگی کند، ممکن است زندگی او را خاتمه دهد. حتی آب‌هایی که انسان بدون آن نمی‌تواند زندگی کند، ممکن است که انسان در آن غرق شده و بمیرد؛ یا غذایی که آن را میل می‌کند، ممکن است او را مسموم کرده و بمیرد. بنابراین مهارت یعنی کشف خطری که انسان از آن دور نیست؛ چراکه دوری مطلق از خطر محال است. به عبارت دیگر، مهارت یعنی جست‌وجوی کیفیت به‌کارگیری خطر برای دستیابی به امنیت و خیر و سلامت بیشتر، یا جست‌وجوی تعادل بین انتخاب‌هایی که امنیت و خطر را در درون خود دارد.

با توجه به بحث گذشته می‌توان تأکید کرد که امنیت، مفهومی

به حق دولت برای فراهم کردن امنیت داخلی و جهانی - تضعیف کرده یا نادیده می‌گیرد (آل ویور، ۲۰۱۰، ص ۶۵۴-۶۵۵).

به علاوه اندیشه ارتباط بین امنیت و ساختار جامعه و گسترش ایجاد فضاهای امن، معیارهای مهمی را برای افراد و گروه‌ها و حرکت‌های اجتماعی و رهبران سیاسی مشخص می‌کند، تا روابط تقویت‌کننده یا کاهنده رفتارهای ایمنی‌بخش را مرزبندی کنند. بنابراین رفتارهای افراد و گروه‌ها و حکومت‌ها با جامعه جهانی لازم است از پیوندها و روابط متقابل رشددهنده پشتیبانی کند. در غیر این صورت در مدت کوتاه یا طولانی، افزایش ناامنی پیش‌بینی می‌شود. در نتیجه کنش‌هایی را ایجاد خواهد کرد که اساساً امنیت همه را تهدید می‌کند. اما در صورت توافق بر رعایت شرایط امنیت و تعهد به معیارهای مشخص آن، امنیت حقیقی و تقویت آن پایه‌گذاری خواهد شد.

### ۳. سطوح تحلیل جامعه‌شناسی امنیت

برای علم جامعه‌شناسی امنیت ضروری است که تا جایی که ممکن است دیدگاه فراگیر پیرامون امنیت داشته باشد. این دیدگاه فراگیر، از اخذ سه سطح برای تحلیل امنیت، یعنی فرد و حکومت و نظم جهانی، تحقق پیدا می‌کند و به وزن ضرورت لزوم امنیت در هر کدام از این سطوح، نسبت به سطوح دیگر امنیت تأکید می‌شود. بلکه می‌توان گفت: امنیت جهانی و امنیت افراد، دو جهت برای اقدام واحد است (بوزان، ۲۰۰۷، ص ۲۱).

باید گفت ذات مفهوم امنیت، از طریق مجموع سطوح سه‌گانه باهم، یعنی افراد و حکومت‌ها، نظم جهانی، تحقق پیدا می‌کند. چنان‌که این سطوح با یکدیگر در ارتباط بوده و در یکدیگر تأثیر و تأثر دارند.

علی‌رغم تمایز میان امنیت فردی و ملی و جهانی در میزان پژوهش‌ها و نظریه‌پردازی، اما این امر در دستیابی به فهم کامل و حقیقی امنیت کمک نمی‌کند؛ چراکه تلاش برای محور قرار دادن یک سطح در میان سطوح دیگر، تلاشی ناقص برای فهم امنیت به‌شمار می‌آید.

بنابراین از رسالت‌های علم جامعه‌شناسی امنیت، رصد نماندهای مشترکی است که میان این سطوح سه‌گانه، ارتباط ایجاد می‌کند و این امر با چشم‌پوشی از منطق نظری است که پژوهشگر آن را اتخاذ کرده است.

پس فهم جامعه‌شناسی امنیت تأکید می‌کند که منافع مشترک بین افراد و حکومت‌ها و و نظام جهانی می‌تواند در امور ذیل ظاهر شود: جلوگیری از همه یا بخشی از ضررهایی که محتمل است به آنها برسد، عمر کوتاه یا طولانی، استقلال و آزادی، تقویت انرژی حیات جمعی، تقویت رفاه اقتصادی، تحقق بزرگی و نیک‌نامی، ثبات و حفاظت از نظم

نیروهای خارجی را داراست، گاهی از جانب حکومت‌های ضعیفی که ابزار قوه قهریه را در اختیار ندارند در معرض بیشترین خطرات است (ر.ک: کلمنتس، ۱۹۹۰، ص ۷؛ بجک، ۱۹۹۰، ص ۵).

گاهی واقع‌گرایان و طرفداران نظریه رئالیسم به تمام اندیشه‌های طرح‌شده فهم جامعه‌شناسی امنیت، حمله می‌کنند؛ به این دلیل که این اندیشه‌ها متکی بر مؤلفه‌های اصلی سنتی امنیت یعنی سلطه، نیرو و قدرت لشکری نیست و این فهم، راه‌حلی برای رفع معضل امنیت ارائه نمی‌دهد. اما جواب واقع‌گرایان این است که دیدگاه‌های جامعه‌شناسی بیشترین شمول را نسبت به امنیت دارد و احتمال دگرگونی بیشتر مفاهیم و دیدگاه‌های واقع‌گرا و استقرار و سلطه بیشتر را ممکن می‌سازد؛ چراکه دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه تمام افراد و حکومت‌ها و جهان را در دایره اعتبار قرار می‌دهند. همچنین به اندیشه‌ای محوری اشاره می‌کنند که در نتیجه آن، افراد و گروه‌ها و جوامع و حکومت‌ها از طریق رفتارها و واکنش‌های متقابل، در قالب‌های مختلف اجتماعی که در سایه حمایت آن زندگی می‌کنند، امنیت را می‌سازند.

### ۲. علم جامعه‌شناسی امنیت بین ضرورت و اوتوپیا

طرح علم جامعه‌شناسی امنیت، به‌عنوان رشته‌ای جدید، که اقدام به ارائه فهم کامل جامعه‌شناسی امنیت به صورت یک فرایند اجتماعی می‌کند، یک دیدگاه ایده‌آل و آرمانی یا اوتوپیا در مورد امنیت نیست؛ بلکه به اندازه ضرورت، تحولات جهانی را که روزانه اتفاق می‌افتد و ساختارهای مختلف اجتماعی را که انسان معاصر در سایه آن زندگی می‌کند، کاملاً به هم می‌ریزد.

به همین جهت، انسانی که برخی اندیشمندان او را خاتم بشر می‌دانند، در سایه جامعه و جهانی از مخاطره زندگی پرنجی دارد؛ به‌گونه‌ای که امور بسیاری اندیشه جامعه بشری را تهدید می‌کند.

بنابراین علم جامعه‌شناسی امنیت، اساساً تلاشی برای اتخاذ تصویری فراگیر از امنیت است؛ خصوصاً اینکه همیشه به جهت دستیابی به سطوح مقبول از امنیت و حفاظت از آن، درگیری‌هایی وجود دارد. علم جامعه‌شناسی امنیت امکان ندارد که از اهمیت حکومت و نقش فعال آن به‌عنوان مرکزی برای نیروی داخلی و جهانی غفلت کند؛ چراکه حکومت می‌تواند نقش آشکاری در میناسازی دیدگاه جامعه‌شناسی امنیت و گسترش آن داشته باشد. به‌معنای دیگر، آنچه فهم جامعه‌شناسی امنیت مطرح می‌کند این است که دیدگاه‌های لشکری صرف و تنگ‌نظرانه پیرامون امنیت، دیدگاه‌های افراد عادی را - در مورد تعریف امنیت ذاتی و اجتماعی آنها، یا مرزبندی اقدامات

یکدیگر کنش متقابل دارند، تجسم پیدا خواهد کرد.

همچنین علم جامعه‌شناسی امنیت، از طریق قالب‌های اجتماعی مختلف و سطوح داخلی و بین‌المللی و جهانی به پژوهش و تحقیق و فهم چالش‌های مختلفی که زندگی فردی و گروهی افراد با آن مواجه است، اهتمام دارد. به‌علاوه شناخت و فهم تفاوت‌های بین فرهنگ‌ها در تقابل و ستیز آنها به جهت تفسیر دیدگاهشان در مورد امنیت و صلح و پشتیبانی و فهمشان در مورد مخاطره و ناامنی، از دیگر دغدغه‌های این علم است.

یکی از مفاهیم محوری که علم جامعه‌شناسی امنیت لازم است آن را جدی بگیرد، مفهوم دولت امن (secure state) و شرایط و ضمانت‌های پایه‌گذاری این حکومت است. این فکر در تقابل با اندیشه دولت قدرتمند (hard state) می‌باشد. به‌یژه اینکه دولتی که منوط به تحقق امنیت برای افراد است، می‌تواند منجر به شکل‌گیری صورت‌هایی از ناامنی را گردد. بنابراین آنچه در جهان معاصر با آن روبه‌رو هستیم این است که از حکومت‌هایی که دارای نظم سیاسی هستند و ادعا می‌کنند که به جهت تضمین امنیت برای افراد و گروه‌ها و فرهنگ‌ها موجودند، برخی از رفتارهایی که تهدیدکننده امنیت و آرامش شهروندان است، ظاهر می‌شود.

بنابراین همان‌گونه که حکومت‌ها می‌توانند به‌گونه‌ای رفتار کنند که ناامنی را ایجاد کنند، همچنین برای شهروندان این امکان وجود دارد که عین این برخورد را با رفتارهای خرابکارانه و تروریستی نسبت به دولت‌ها انجام دهند. در نتیجه برای علم جامعه‌شناسی امنیت حائز اهمیت است که بر اندیشه ارتباط بین امنیت و دموکراسی و برابری تمرکز کند.

علاوه بر این، علم جامعه‌شناسی امنیت، می‌تواند در ارائه فهم جدیدی از مفهوم کنترل، شراکت داشته باشد. در واقع، سیاست کنترل از جوانب مختلف، همان انتخابی است که از طریق آن، نگرانی‌های امنیتی درمان می‌گردد. رفتار کنترل برای خدمت به امنیت بر دو عنصر متمرکز است: اول. فردگرایی؛ دوم. حذف و طرد کردن، که از طریق آن دو می‌توان بر رفتار بشری تسلط و مدیریت پیدا کرد و با استفاده از زمان و مکان به آن نظم داد (کلمنتس، ۱۹۹۰، ص ۱۴).

آنچه گذشت تنها نمونه‌هایی برای مهم‌ترین موضوعاتی است که ممکن است علم جامعه‌شناسی امنیت، به آن بپردازد. اما حقیقت این است که موضوعات و مفاهیم و اندیشه‌های بسیاری وجود دارد که جامعه‌شناسی امنیت به جهت مناقشه و غنی‌سازی می‌تواند به

فرهنگی و اندیشه‌های خاص. بنابراین این مصالح مشترک، حداقل شروط اساسی زندگی اشتراکی در بافت امنیت خواهد بود.

هنگامی که شناخت ساختار مادی برای حکومت اهمیت داشته باشد و ذهنیت رجال حکومتی و سیاسی و مراکز حکومتی از مفهوم امنیت چنین باشد، شناخت ضمانت‌های حفاظت از همه ظرفیت‌های مادی فرد، همچون، غذا و سلامتی، اعتلای روحی و اجتماعی و... همچنین شناخت فضاهای بنیادی، مانند: مراکز خانواده و دینی و آموزشی و رفاهی و مراکز کار و... که افراد در درون آن بسترها یا همراه آنها رفتار یا کنش متقابل انجام می‌دهند، از مهم‌ترین کارها در چنین حکومتی به‌شمار می‌آید.

همچنین در زمان‌های اخیر، چارچوب‌های فکری و فرهنگی حاکم بر کنش متقابل افراد با یکدیگر و اینکه چگونه مردان و زنان و گروه‌های اکثریت و اقلیت، مفهوم امنیت را تصور می‌کنند، و چگونه افراد در زندگی خود برای حمایت از خود رفتار می‌کنند، و چگونه مراکزی که افراد بخشی از آنها هستند، هویت شخصی آنها را تقویت یا تضعیف می‌کنند؛ از مهم‌ترین کارها در این نوع از حکومت است. بدون شک شناخت عمومی تمام این فرایندها، اهمیت و جایگاه ویژه‌ای راه، در تعیین مفهوم امنیت، مطابق تحلیل‌های جامعه‌شناسی داراست (کلمنتس، ۱۹۹۰، ص ۱۴).

از دیگر موارد مهم، این است که علم جامعه‌شناسی امنیت به تمام جهان به‌عنوان یک واحد پیشرو و تفکیک‌ناپذیر بپردازد و چنین پردازشی در فهم امنیت مشترک جهانی و تحقق آن تعیین‌کننده است. در راستای این دیدگاه، باید ذهنیت افراد و گروه‌های مختلف برای نظم جهانی و توانایی‌های امنیتی را رصد کرد و مراکز بین‌المللی را در جهت گسترش امنیت جهانی ایجاد کرد.

همچنین بیان این نکته ضروری است که در سایه پیشرفت پرشتاب مراکز بین‌المللی، ذهنیت جهانی برای امنیت از ذهنیت‌های مرتبط با حکومت‌های داخلی، پیچیده‌تر است.

#### ۴. موضوعات علم جامعه‌شناسی امنیت

از بحث پیشین چنین به دست می‌آید که موضوعات متعددی وجود دارد که علم جامعه‌شناسی امنیت می‌تواند بر محور آن باشد. به‌علاوه موضوع اصلی، بر اندیشه پژوهش جامعه‌شناسی امنیت به معنای گسترده‌اش - از طریق سطوح سه‌گانه‌ای که گذشت - استوار خواهد بود.

از طرفی این پژوهش بر این اساس که امنیت، یک فرایند اجتماعی است و اینکه رفتارها در ساختار ذهنی افراد شکل خواهد گرفت، استوار خواهد بود و در رفتارهایی که اشخاص از طریق اسلوب‌های مختلف با

روش ها و راه‌های تعامل با جامعه‌ای یاری رساند که صورت‌های متباین ایجاد و بازتولید شده از مخاطره و تهدیدات روزانه را در خود دارد؛ چراکه این تهدیدات نه فقط جامعه‌ای مشخص، بلکه تمام جهان و جوامع انسانی را تهدید می‌کند.

#### پی‌نوشت.....

۱. این مقاله در سایت رسمی مؤمنون بلاحدود [www.mominoun.com](http://www.mominoun.com)، با عنوان «علم اجتماع الامن.. محاوله للتأصيل» در تاریخ ۲ نوامبر ۲۰۱۷

انتشار یافته است. مترجم

۲. این کتاب به نام *جامعه در مخاطره جهانی* ترجمه محمدرضا مهدی‌زاده توسط انتشارات کویر به چاپ رسیده است. مترجم

#### منابع.....

- ابودوح، کاظم، ۲۰۱۴، *سرمایه اجتماعی، افق‌های جدید در نظریه اجتماعی*، دار ابتراک، ابوزید، احمد، ۲۰۱۲، «نظریه ارتباطات بین‌المللی»، *العلوم السياسية*، ش ۳۶، بک، اولریش، ۲۰۰۵، *جامعه جهانی مخاطره‌آمیز: به دنبال امنیت گمشده*، ترجمه علا عادل و دیگران، قاهره، مرکز ملی ترجمه.
- جمعی از محققان، ۲۰۱۳، *تهدیدات و فرصت‌ها: مدیریت خطرها به جهت توسعه*، گزارش بانک بین‌المللی از توسعه در جهان.
- الحرابی، سلیمان عبدالله، ۲۰۰۸، «مفهوم امنیت، سطوح و قالب‌ها و تهدیدات»، *العلوم السياسية*، ش ۱۹.
- زاید احمد، ۲۰۱۳، «برنامه‌ریزی مکانیسم مدیریت خطرها و بحران‌ها در سیاست‌های اجتماعی دولت‌های مجلس همکاری خلیج»، *مطالعات اجتماعی*، ش ۸۰، فرج، انور محمد، ۲۰۰۷، *رنالیسم کلاسیک و ملرن، سلیمانیه*، مرکز مطالعات استراتژیک، گیدنز، آنتونی، ۲۰۰۵، *جهان لگام گسیخته، چگونه جهانی شدن، زندگی‌هایمان را شکلی تازه می‌بخشد*، ترجمه محمد محیی‌الدین، قاهره، دار میریت.
- Bajc, Vida, 2013, "Sociological Reflections on Security Through Surveillance", *Sociological Forum*, V. 22, N.3.
- Baldwin, David, 2011, *The Concept of Security, in Security Studies*, New York, Rutledge.
- Buzan, Barry, 1991, "New Patterns of Global Security in Twenty-First Century", *International Affairs*, V. 67, N. 3.
- Buzan, Barry, 1997, "Rethinking Security After the Cold War", *Cooperation and Conflict*, V. 32, N. 1, P. 5-28.
- Clements .Kevin, *Toward Conflict Trans Formation and A Just Peace*, [www.berghof-handbook.net](http://www.berghof-handbook.net).
- Clements, Kevin, 1990, "Toward A Sociology of Security", *Working Paper*, N. 90.
- Riedel, Eibe, 2007, *Social Security as A Human Right*, New York, Spring.
- Stampnitzky, Lisa, 2013, "Toward A Sociology of Security", *Sociological Forum*, V. 28, N.3.
- Thomas, Caroline, 2001, "Global Governance", *Third World Quarterly*, V. 22, N. 2.
- Waever, Ole, 2010, *Towards A Political Sociology of Security Studies*, Security Dialogue, Vol. 41, No.6.

آنها بپردازد. مهم‌ترین کار آن است که تأسیس علم جامعه‌شناسی امنیت برای پژوهش‌های امنیتی در جهان معاصر امری ضروری است که صورت‌ها و رفتارهای چریکی خارج از چارچوب و تهدیدکننده ایده امنیت در جامعه انسانی را منعکس می‌کند.

#### نتیجه‌گیری

شکی نیست که در طبیعت تهدیدات فردی و ملی متفاوتی ایجاد شده است؛ چراکه تهدید نظامی، تنها منبع تهدید امنیت نیست (چنان که طرفداران نظریه رئالیسم می‌گویند)؛ بلکه تمام سطوح امنیت اکنون با انواعی از تهدیدات مواجه است، که لزوماً از نوع تهدید نظامی نیست؛ مانند: تجارت مواد مخدر از طریق مرزها؛ جرم‌های سازمانی؛ گسترش تروریسم بین‌المللی؛ گسترش امراض و بیماری‌های واگیردار، مانند ایدز؛ گسترش فقر و آلودگی آب و هوا؛ و... در نتیجه نگاه کلاسیک و سنتی به امنیت از تعامل با این مشکلات در مانده است؛ چراکه تهدید در بسیاری اوقات، آشکار و قابل رؤیت نیست. چنان که نیروی نظامی نیز برای مقابله با این نوع تهدیدات و آثار مخرب آن که از تهدیدات مستقیم نظامی ویران‌کننده‌تر است، صلاحیت رویارویی را ندارد.

بنابر آنچه گذشت تأمین امنیت در جهانی که عوامل ناامنی در آن پیشرفت کرده نیاز ما را به دیدگاه‌ها و مفاهیم جدیدی برای پژوهش در امنیت بیشتر می‌کند.

براین اساس، این پژوهش تلاش می‌کند توجه گروه‌های علمی جامعه‌شناسی را به ضرورت اهتمام به پژوهش‌های جامعه‌شناسی امنیت، معطوف بدارد. به‌ویژه اینکه علم جامعه‌شناسی امنیت می‌تواند برای ما بستری برای نگاه دقیق و موشکافانه، پیرامون کیفیت تشکیل مفاهیم مختلف امنیت و استراتژی طبیعت زندگی اجتماعی را فراهم کند؛ چراکه فهم ما نسبت به دموکراسی و مشارکت اجتماعی در فرایندهای سیاسی، و ذهنیت‌های خصوصی و اعتماد بین فرد و دولت و همچنین احساس ما نسبت به زیبایی‌های روزانه زندگی و آرامش و مطالبات امنیتی ما، به این‌گونه مفاهیم گره خورده است.

بنابراین، علم جامعه‌شناسی امنیت به ما کمک می‌کند تا تفاوت‌های بین جوامع و فرهنگ‌ها و افراد را در ستیز تفاسیر دیدگاه‌های «امنیت و صلح و پشتیبانی» و درک آنها نسبت به مخاطره و ناامنی، بشناسیم. به‌علاوه این علم می‌تواند ما را در کشف